

صدور حکم برائت در صورت عدم احراز بزه توسط دادگاه

نجمه غفاری الهی کاشانی*

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۰۶۲۸

مرجع بدوی رسیدگی کننده: شعبه ۱۰۴۶ دادگاه عمومی جزایی تهران

مرجع تجدیدنظر رسیدگی کننده: شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۱. وقایع پرونده

در این پرونده درخصوص اتهام شخصی دایر بر صدور چک بلامحل، کیفرخواست صادر شده است و پرونده به دادگاه ارسال می‌شود، لکن دادگاه بدوی با توجه به عدم احراز بزه صدور چک بلامحل، قرار منع تعقیب صادر می‌نماید. وکیل متهم به استناد اینکه صدور قرار منع تعقیب از سوی دادگاه درخصوص این پرونده منطبق با قانون نبوده و می‌بایست رأی بر برائت صادر می‌شده، تقاضای تجدیدنظر و اصلاح رأی می‌کند. دادگاه تجدیدنظر نیز اعتراض تجدیدنظرخواه را وارد دانسته، رأی دادگاه بدوی را اصلاح می‌نماید.

رأی دادگاه بدوی

درخصوص اتهام آقای ع.ر. فرزند الف. دایر بر صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ... مورخ ... به مبلغ هشتاد میلیارد و دویست و هشتاد و نه میلیون ریال؛ دادگاه با توجه به شکایت شاکی ... با مدیریت عاملی ... و رئیس هیأت‌مدیره ... با وکالت ... با عنایت به دفاعیات موثر وکیل متهم آقای ... به اینکه چک موصوف سفید امضا و برای تضمین بدهی‌های شرکت‌های تحت‌الامر موکلش بوده و بر اثبات این ادعا به گواهی گواهان استناد جسته که گواهی آنان حکایت از صدق اعدای مطروحه داشته. بنابراین به نظر

* دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری دانشگاه تهران



دادگاه بزه‌ای قابل تصور نبوده که با استناد به ماده ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی (به دلیل سفید امضا بودن) قرار منع تعقیب مشارالیه صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره، حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر

درخصوص تجدیدنظر خواهی خانم ش.ق. به وکالت از آقای ع.ر. نسبت به قسمتی از دادنامه شماره ۱۰۰۲۰۹-۹۲ مورخ ۹۲/۳/۵ در پرونده کلاسه ۱۱۹۴-۶۰-۹۱ صادره از شعبه ۱۰۴۶ دادگاه عمومی جزایی تهران که به موجب آن درخصوص اتهام آقای ع.ر. دایر بر صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ... مورخ ... به مبلغ هشتاد میلیارد و دو بیست و هشتاد و نه میلیون ریال و به لحاظ عدم وقوع بزه قرار منع تعقیب صادر شده است و تجدیدنظر خواه به لحاظ رسیدگی ماهوی دادگاه و اینکه صدور قرار منع تعقیب از طرف دادگاه موقعیت قانونی ندارد به دادنامه صادره، اعتراض، و درخواست اصلاح آن را نموده است. نظر به اینکه با احیاء دادرسی صدور قرار منع تعقیب که قرار ماهوی بوده در شأن و موقعیت دادرسی است زیرا که دادستان، وظیفه تعقیب و یا منع تعقیب را برعهده دارد و در صورت صدور قرار مجرمیت و تقاضای تعقیب از سوی مرجع تعقیب، دادگاه وظیفه دارد در ماهیت امر و در صورت عدم احراز بزه، مبادرت به صدور حکم براءت نماید نه صدور قرار منع تعقیب، لهذا با پذیرش تجدیدنظر خواهی تجدیدنظر خواه در این قسمت، ذکر قرار منع تعقیب در دادنامه تجدیدنظر خواسته، مبتنی بر اشتباه است و با اصلاح آن به حکم براءت، دادنامه تجدیدنظر خواسته را به استناد ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری و با اصلاح موصوف تأیید می‌نماید. رأی صادره، قطعی است.

۲. نقد و بررسی

نکات زیر در پرونده فوق دارای اهمیت می‌باشد:

- ۱- مطابق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) و بند (ک) ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (اصلاحی ۱۳۸۱)، قرار منع تعقیب در مواردی صادر می‌شود که از دیدگاه بازپرس، عمل ارتكابی جرم نبوده یا اصولاً جرمی واقع نشده و یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد.
- ۲- طبق قانون زمان صدور رأی، قرار منع تعقیب، تنها زمانی در دادگاه صادر می‌شود که دادگاه در مقام تحقیق اقدام می‌کند به این معنا که

تحقیقات مقدماتی در دادسرا صورت نگرفته بلکه انجام این تحقیقات برعهده دادرس دادگاه می‌باشد، اما براساس ماده ۳۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) حتی در فرضی که پرونده با کیفرخواست از دادسرا به دادگاه ارجاع شده، امکان صدور قرار منع تعقیب وجود دارد.

۳- مطابق قانون زمان صدور رأی، دادرس دادگاه زمانی رأی برائت صادر می‌نماید که تحقیقات مقدماتی توسط دادسرا، انجام و پرونده به دادگاه ارسال شده است و معتقد به عدم وقوع جرم یا عدم ارتکاب آن توسط متهم یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم می‌باشد.

۴- تحقیقات مقدماتی جرایم مشمول حد زنا و لواط، جرایمی با مجازات قانونی سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال، و همچنین جرایم اطفال براساس تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (اصلاحی ۱۳۸۱) که قانون لازم‌الاجرای زمان صدور این رأی می‌باشد، برعهده دادگاه است. و همچنین طبق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، عهده‌دار تحقیقات مقدماتی جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸. ۵- جرم انتسابی در پرونده، صدور چک بلامحل به مبلغ هشتاد میلیارد و دویست و هشتاد و نه میلیون ریال (جرم تعزیری درجه ۶ براساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی) بوده بی‌آنکه مشمول تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب باشد.

با توجه به نکات بالا به نظر می‌رسد رأی دادگاه تجدیدنظر منطبق بر قانون زمان صدور می‌باشد، زیرا اتهام وارده صدور چک بلامحل به مبلغ هشتاد میلیارد و دویست و هشتاد و نه میلیون ریال بوده، چه براساس قانون زمان صدور حکم و قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی آن برعهده دادسراست کم‌اینکه در پرونده مذکور نیز تحقیقات مقدماتی در دادسرا صورت گرفته، سپس پرونده به دادگاه ارسال شده است. نکته قابل توجه اینکه دادرس دادگاه بدوی در صورت عدم اعتقاد به وقوع جرم، می‌بایست رأی برائت صادر می‌کرده است. قرار منع تعقیب تنها در موارد احصائی تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و

انقلاب توسط دادرس دادگاه قابل صدور بوده است. نکته شایان ذکر در این رأی، پذیرش تجدیدنظرخواهی متهم نسبت به قرار منع تعقیب می‌باشد، زیرا اصولاً قرار منع تعقیب از سوی شاکی قابل اعتراض است و نه متهم، لکن در این رأی، متهم به قرار منع تعقیب اعتراض نموده. به احتمال زیاد دادگاه تجدیدنظر با عنایت به اینکه دادگاه بدوی به اشتباه به جای «برائت»، قرار منع تعقیب صادر کرده، تقاضای تجدیدنظرخواهی را پذیرفته حالی که این امر برخلاف قانون به نظر می‌رسد. البته بند (ن) ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که مطابق بند یک آن قرار منع تعقیب توسط شاکی قابل اعتراض دانسته شده، به قرارهای قابل اعتراضی که توسط بازپرس صادر گشته، اشاره کرده؛ حال آنکه در این پرونده، دادرس دادگاه قرار منع تعقیب صادر نموده است.

